



<https://rppl.ui.ac.ir/?lang=en>

Textual Criticism of Persian Literature

E-ISSN: 2476-3268

Document Type: Research Paper

Vol. 17, Issue 1, No. 65, Spring 2025

Received: 19/09/2024

Accepted: 11/12/2024

An Analysis of the Commonalities and Connections between the Rubaʿis of Some Ancient Collections and Rubaʿi Anthologies

Ali Rahimi Varyani 

PhD in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran
varyani@ut.ac.ir

Abstract

The compilers of certain poetic *safines* (manuscripts) often used sources beyond the divans of poets, including other *safines* and collections. A comparative study of the contents of these sources reveals notable overlaps, suggesting that these collections were interrelated. This research examines the rubaʿis (quatrains) of Aṭṭar Nishaburi in *Munis al-Aḥrar* and *Mukhtar-Nama*, particularly focusing on the sections where these rubaʿis appear. The analysis indicates that Jajarmi likely referred to *Mukhtar-Nama* as a source when compiling his work. Similarly, a comparative examination of the thematic organization and shared rubaʿis in *Rubaʿi-Nama* (MS No. 2051, Aya Sofya Library) and *Nuzhat al-Majalis* demonstrates that the compiler of the Aya Sofya manuscript was influenced by *Nuzhat al-Majalis* in both structure and content, utilizing Jamal Khalil Shirwan's selection alongside other sources. Furthermore, *Safina-yi Kohan-i Rubaʿiyat* and MS No. 487 (Lala Ismail Library) share numerous rubaʿis, suggesting a common source used by their compilers. A detailed comparison of the rubaʿis attributed to Fakhr al-Din Mubarakshah and other shared quatrains between these two sources supports this hypothesis.

Keywords: Rubaʿi, *Safine*, Collection, *Mukhtarname*, *Munis al-Aḥrar*, *Nuzhat al-Majalis*.

Introduction

Since approximately the seventh century AH, literary enthusiasts in Persian-speaking communities have increasingly compiled anthologies of prose and verse. These collections were often drawn from diverse sources, serving as companions during travel or at home. Some were intended for personal use, while others were prepared as gifts for dignitaries or upon their request.

The rubaʿi form held a special place in these anthologies due to its brevity, impact, and thematic versatility, making it a favorite of both poets and poetry enthusiasts. In addition to collections solely dedicated to rubaʿis, some compilers allocated sections of their *safines* to this poetic form. The widespread presence of rubaʿis within these manuscripts highlights their significance and popularity.

This raises three questions: 1) What sources did the compilers of these poetic *safines* rely on for their selections? 2) Were their choices limited to the divans of individual poets? 3) What relationships existed between these *safines*, and what do these relationships reveal about the literary culture of their time?

Evidence suggests that divans were not the sole sources for the compilers. Other *safines* and collections also served as key references. Comparative analysis of these manuscripts reveals overlapping content,

*Corresponding author

2476-3268a The Author(s). Published by University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>).



[10.22108/rppl.2024.142855.2382](https://doi.org/10.22108/rppl.2024.142855.2382)

shedding light on the interconnections between literary works and the shared aesthetic preferences of different literary communities.

Materials and Methods

This study employs a descriptive-analytical approach to explore structural and content-based similarities among certain ancient *saḥīḥ*es and collections. It identifies shared ruba'is and examines the relationships between these sources.

Research Findings

This research identifies a connection between *Munis al-Aḥṣar fī Daqa'iq al-Ash'ar* by Muḥammad ibn Badr Jajarmi and *Mukhtar-Nama* by 'Aṭṭar Nishaburi, demonstrating their interrelation. A comparative analysis of the content and thematic organization of *Nuzhat al-Majalis* and *Ruba'i-Nama* (MS No. 2051, Aya Sofya Library) reveals that the compiler of the latter was influenced by *Nuzhat al-Majalis*. Additionally, the study shows that one of the scribes of MS No. 487 (Lala İsmail Library), 'Abd al-Karim ibn Aṣil Jarburdi, likely used a common source with the compiler of *Safina-yi Kohan-i Rubasiyat* when selecting ruba'is.

Discussion of Results and Conclusion

Munis al-Aḥṣar fī Daqa'iq al-Ash'ar is a collection compiled and written by Muḥammad ibn Badr Jajarmi in 741 AH. It is organized into 30 chapters, with Chapter 28 dedicated to *ruba'is*, containing 467 **quatrains** divided into 35 sections. This chapter includes 40 ruba'is attributed to 'Aṭṭar Nishaburi. The similarities between these ruba'is and their placement in *Mukhtar-Nama* suggest that Jajarmi consulted *Mukhtar-Nama* during the compilation of his work.

Manuscript No. 2051 (Aya Sofya Library) is a compilation of treatises and poems, written by Maḥmud ibn Aḥmad ibn Maḥmud al-Tabrizi al-Sarraj in 730 AH. A significant portion (folios 253v–303r) is a *Ruba'i-Nama* with 768 quatrains, organized thematically without attribution to specific poets. The orderly arrangement of its opening sections suggests that the compiler relied on specific sources, presenting *ruba'is* sequentially from these references. Notably, the thematic structure and the presence of 164 shared ruba'is in both this *Ruba'i-Nama* and *Nuzhat al-Majalis* imply that the latter served as one of its sources. This connection highlights the prominence of *Nuzhat al-Majalis* in the literary culture of northwestern Iran during the eighth century AH.

'Abd al-Karim ibn Aṣil Jarburdi, one of the scribes of MS No. 487 (Lala İsmail Library), compiled 34 ruba'is by Fakhr al-Din Mubarakshah in Egypt between 741 and 742 AH. Fourteen of these quatrains also appear in *Safina-yi Kohan-i Ruba'iyat* under Mubarakshah's name. The notable overlap and consistent transcription of these ruba'is suggest that Jarburdi and the compiler of *Safina-yi Kohan-i Ruba'iyat* used a shared source for their selections.



متن‌شناسی ادب فارسی

سال هفدهم، شماره اول (پیاپی ۶۵)، بهار ۱۴۰۴، ص ۹۹-۱۱۷

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۶/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۱

مقاله پژوهشی

بررسی اشتراکات و ارتباط رباعیات برخی مجموعه‌ها و رباعی‌نامه‌های کهن

علی رحیمی واریانی^۱، دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
varyani@ut.ac.ir

چکیده

گردآورندگان برخی از سفینه‌های شعری، علاوه بر دیوان شاعران، از سفینه‌ها و مجموعه‌های دیگر نیز به منزله منبع استفاده می‌کرده‌اند. با بررسی تطبیقی محتویات این منابع می‌توان اشتراکاتی را یافت که حاکی از این مسئله است. در پژوهش حاضر با بررسی رباعیات عطار نیشابوری در *مونس‌الاحرار* و *مختارنامه* و فصولی که این رباعیات در آن آمده، نشان داده شده است که احتمالاً جاجرمی در تدوین کتاب خود، *مختارنامه* را پیش چشم داشته و از آن به منزله منبع استفاده کرده است. همچنین، با بررسی شکل فصل‌بندی و رباعیات مشترک رباعی‌نامه مجموعه شماره ۲۰۵۱ کتابخانه ایاصوفیا و *نزهة‌المجالس*، نشان داده شده است که احتمالاً گردآورنده مجموعه ایاصوفیا در فصل‌بندی مجموعه رباعیات خود از *نزهة‌المجالس* الگوبرداری کرده و در انتخاب و نقل رباعیات، از گزیده جمال خلیل شروانی در کنار منابعی دیگر، بهره برده است. سفینه کهن رباعیات و مجموعه شماره ۴۸۷ کتابخانه لالاسماعیل دیگر منابعی هستند که رباعیات مشترک آنها در این مقاله بررسی شده است. با بررسی رباعیات فخرالدین مبارکشاه و چند رباعی مشترک دیگر در این دو منبع نشان داده شده که عبدالکریم بن اصیل جاربندی که یکی از کاتبان مجموعه لالاسماعیل بوده است و گردآورنده سفینه کهن رباعیات، احتمالاً در گزینش برخی رباعیات از منبعی مشترک استفاده کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی

رباعی، سفینه، مجموعه، مختارنامه، مونس‌الاحرار، نزهة‌المجالس.

^۱ مسؤول مکاتبات



2476-3268© The Author(s). Published by University of Isfahan
This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>).



۱. مقدمه

ادیبان و ادب‌دوستان در جوامع فارسی‌زبان حدوداً از قرن هفتم هجری به گردآوری گزیده‌هایی از انواع نظم و نثر گرایشی روزافزون داشته‌اند. ایشان برگزیده‌های خود را از منابع مختلف در دفاتری ثبت می‌کردند تا همدم آنها و دیگران در سفر و حضر باشد. این دفاتر گاه برای استفاده شخصی و گاه برای پیشکش به صاحب‌منصبان یا به سفارش آنها گردآوری می‌شده است.

گردآورندگان این مجموعه‌ها معمولاً توجه ویژه‌ای به قالب رباعی داشته‌اند. قالبی که به دلیل کوتاهی، تأثیرگذاری و تنوع مضامین درخور بیان در آن، محبوب شاعران و شعردوستان بوده است. در کنار مجموعه‌هایی که صرفاً به رباعی اختصاص دارد، برخی از مدونان سفینه‌ها بخشی از مجموعه خود را به رباعیات اختصاص داده‌اند. همچنین، کثرت رباعیات پراکنده در دل سفینه‌ها و مجموعه‌ها نشان‌دهنده اهمیت و محبوبیت این قالب شعری است.

پرسشی که اینجا مطرح می‌شود این است که گردآورندگان سفینه‌های شعری، منتخبات خود را از چه منابعی برمی‌گزیده‌اند؟ آیا این گزینش تنها از دیوان شاعران انجام می‌شده است؟ رابطه این سفینه‌ها با یکدیگر چگونه بوده است؟ این روابط بیانگر چه مسئله‌ای می‌تواند باشد؟

چنان‌که از شواهد پیدا است، دیوان شاعران تنها منبع گردآورندگان سفینه‌های شعری نبوده است. مدونان این آثار، سفینه‌ها و مجموعه‌های دیگر را نیز به منزله منبع پیش چشم داشته‌اند. با بررسی تطبیقی محتویات این منابع می‌توان اشتراکاتی را یافت که حاکی از این مسئله است. این اشتراکات بیانگر روابط ادیبان و روایی متون در دوره‌های مختلف است؛ همچنین، ذوق و سلیقه غالب در جوامع مختلف ادبی را آینگی می‌کند.

اما نشان‌دادن ارتباط میان این منابع کار چندان آسانی نیست. در کنار شباهت‌هایی که برخی از مجموعه‌ها با یکدیگر دارند، تفاوت‌هایی نیز هست که بررسی نسبت مجموعه‌ها را با یکدیگر دشوار می‌کند. ضمن اینکه تصرف کاتبان در نسخه‌های غیراصلی سفینه‌ها را نباید از نظر دور داشت. چه‌بسا شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود حاصل دخالت کاتبان نسخ باشد.

در پژوهش حاضر کوشیده شده است تا با روش توصیفی-تحلیلی شباهت‌های برخی از سفینه‌ها و مجموعه‌های کهن در ساختار و رباعیات مشترکشان بررسی شود و ارتباط این منابع با یکدیگر نشان داده شود.

۲. پیشینه پژوهش

در بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده درباره جنگ‌ها و سفینه‌های کهن، به ارتباط آنها با دیگر منابع اشاره‌ای شده است؛ برای مثال: میلاد عظیمی در مقدمه سفینه شمس حاجی (شمس حاجی، ۱۳۹۰، ص. ۹۳-۱۱۵)، اشتراکات این سفینه را با منابعی چون مونس‌الاحرار بررسی کرده است. مصححان سفینه کهن رباعیات نیز در مقدمه این تصحیح شباهت ساختار و رباعیات این سفینه را با نزهة‌المجالس بررسی کرده‌اند (سفینه کهن رباعیات، ۱۳۹۵، ص. ۳۰-۳۲). همچنین، صفری آق‌قلعه در مقاله «جنگ زیلوفاف»، ارتباط این جنگ با مونس‌الاحرار جاجرمی را نشان داده است (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۱، ص. ۳۵۶-۳۵۷).

در میان منابع پژوهش حاضر نیز پژوهشگران پیش‌تر به ارتباط رباعی‌نامه مجموعه ایاصوفیا و نزهةالمجالس توجه کرده‌اند که در بخش مربوط به آن، توضیح داده شده است.

۳. بررسی اشتراکات مجموعه‌ها و رباعی‌نامه‌ها

۳-۱. مونس‌الاحرار و مختارنامه

مونس‌الاحرار فی دقایق‌الشعار مجموعه‌ای است که آن را محمد بن بدر جاجرمی در سال ۷۴۱ق گردآوری و کتابت کرده است. این مجموعه در سی باب تدوین و در آن، گزیده‌ای از اشعار نزدیک به ۲۰۰ شاعر در قالب‌های مختلف گرد آورده شده است.

محمد قزوینی در یادداشتی که در سال ۱۳۰۸ در ابتدای عکسی که برای خود از نسخه مونس‌الاحرار تهیه کرده بود، نوشته است، این مجموعه را مفصلاً معرفی کرده است. این یادداشت در بیست مقاله قزوینی (قزوینی، ۱۳۳۲، ج. ۲/۱۸۴) و مقدمه متن چاپی مونس‌الاحرار (جاجرمی، ۱۳۳۷، ص. ب-ی) نیز چاپ شده است. میرصالح طبیبی متن مونس‌الاحرار را تصحیح و در دو جلد به سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۵۰ منتشر کرده است.

باب بیست‌وهشتم مونس‌الاحرار به رباعیات اختصاص یافته و در آن ۶۷ رباعی گرد آورده شده است. رباعیات این باب در ۳۵ فصل^۱ دسته‌بندی شده است. اکثر این فصول بر اساس موضوع رباعیات تدوین شده؛ در برخی نیز صنعت و آرایه به کار رفته در رباعیات یا سراینده آنها، مبنای فصل‌بندی بوده است.

در فصول مختلف باب بیست‌وهشتم مونس‌الاحرار ۴۰ رباعی به نام عطار آمده است. مونس‌الاحرار و مختارنامه در رباعیات عطار و فصولی که این رباعیات در آن آمده است، قرابت‌هایی دارند که در ادامه بررسی شده است:

- فصل اول باب بیست‌وهشتم مونس‌الاحرار در توحید است و با چهار رباعی از عطار آغاز می‌شود. این رباعیات همه از باب اول مختارنامه با همین موضوع هستند و نخستین آنها، رباعی آغازین مختارنامه نیز هست:

ملک‌المحققین عطار فرماید برّ الله مضجعه

ای پاکی تو منزه از هر پاکی قدوسی تو مقدس از ادراکی

در راه تو صدهزار عالم گوردی در کوی تو صدهزار آدم خاکی

(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۳۵-۱۱۳۶؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۷۵، رباعی شماره ۱).

ایضاً له

جان محو شد و یک سر مویت نشناخت دل در خون گشت و خاک کویت نشناخت

ای از سر مویی دو جهان کرده پدید کس در دو جهان ز هیچ سویت نشناخت

(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۳۶؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۷۵، رباعی شماره ۵).

ایضاً له

نه عقل به سرحد کمال تو رسد نه جان به سراچه جلال تو رسد

گر جمله ذرات جهان دیده شود ممکن نبود که در جمال تو رسد

(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۳۶؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۷۷، رباعی شماره ۱۸).

^۱. در فهرست آغازین این باب ۳۶ فصل برشمرده شده، اما آنچه در این فهرست با عنوان «فصل سی‌وپنجم در بیچارگی» آمده است، در متن وجود ندارد.

رباعی فوق در سفینه ترمذ با عنوان «و له [مولانا فخرالدین الرازی]» نقل شده (محمد بن یغمور، ۱۳۹۶، ص. ۴۷۱) و در دیوان رباعیات اوحالدالدین کرمانی نیز آمده است (اوحالدالدین کرمانی، ۱۳۶۶، ص. ۹۹). در میان رباعیات اوحالدالدین کرمانی رباعی دیگری هست که در بیت نخست با این رباعی مطابقت دارد (نک: میرافضلی، ۱۳۹۴، ص. ۳۸۱).

ایضاً له

ای عین بقا در چه بقایی که نه‌ای	در جای نه و کدام جایی که نه‌ای
ای ذات تو از جای و جهت مستغنی	آخر تو کجایی و کجایی که نه‌ای

(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۳۶؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۷۹، رباعی شماره ۳۵).
 رباعی بالا در منابع پیش رو نیز آمده است: (سراج تبریزی، ۱۳۳۰، ق. گ. ۲۵۴، بدون ذکر نام سراینده؛ سفینه کهن رباعیات، ۱۳۹۵، ص. ۸۵، به نام «عمر خیام»، با اختلاف در مصرع نخست؛ سفینه اشعار، بی‌تا، ص. ۵۰۹، بدون ذکر نام سراینده؛ رشیدی، ۱۳۶۷، ص. ۱۲۲، با اختلاف در مصرع نخست؛ بابافضل، ۱۳۶۳، ص. ۱۹۴).
 - فصل دوم که در نعت رسول است چهار رباعی دارد که همه از عطار است و از باب دوم مختارنامه با همین موضوع نقل شده است:

ملک المحققین عطار فرماید رحمه الله علیه

هم رحمت عالمی ز ما ارسلناک	هم مایه آفرینشی از لولاک
حق کرده ندا به جانت ای عالم پاک	لولاک لنا لما خلقت الافلاک

(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۳۷؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۸۷، رباعی شماره ۱۰۸).

ایضاً له

فرمانده ملک انبیا کیست تویی	مصادق تعز من تشا کیست تویی
روشن نظر لقد رأ کیست تویی	هم دامن خلوت دنی کیست تویی

(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۳۷؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۸۸، رباعی شماره ۱۱۰).
 رباعی فوق در فصل دوم از باب اول رباعی‌نامه پایانی مجموعه شماره ۲۰۵۱ ایاصوفیا که در نعت سیدالمرسلین است، بدون ذکر نام سراینده آمده است (سراج تبریزی، ۱۳۳۰، ق. گ. ۲۵۴، پ).

ایضاً له

صدری که ز هر چه بود برتر او بود	مقصود ز اعراض و ز جوهر او بود
آنجا که میان آب و گل بود آدم	در عالم جان و دل پیمبر او بود

(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۳۷-۱۱۳۸؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۸۷، رباعی شماره ۱۰۵).

ایضاً له

ز آن پیش که نه خیمه افلاک زدند	و آن خیمه به گرد توده خاک زدند
در عالم جان برابرش بنشستند	بر قصر قدم نوبت لولاک زدند

(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۳۸؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۸۷، رباعی شماره ۱۰۷).

- در پایان «فصل سوم در کمالیت نفس و پیری» سه رباعی به نام عطار آمده است. یکی از این رباعیات در *مختارنامه* نیامده و دو رباعی دیگر در نسخه مورخ ۸۳۲ق، ذیل عنوان «باب بیست و چهارم در صفت پیری و آخر عمر» آمده است:

عطار فرماید رحمه الله علیه

چون روی به پنجاه و به شست آوردیم چیزی که نایست به دست آوردیم
بسیار چو سرو سرفرازی کردیم تا عاقبت کار شکست آوردیم
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۳۹؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۶۲، رباعی شماره ۲۱۹۴، با قدری اختلاف در بیت دوم).
ایضاً له

گفتم چو دمید صبح روزافروزم دیگر نبود چو شمع هر دم سوزم
خود گرد رخم چو صبح پیری بدمید زین صبح برآمدن فروشد روزم
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۳۹؛ این رباعی در *مختارنامه* نیامده است).
ایضاً له

دردا که جوانی ز برم دور رسید صد گونه بلا در من رنجور رسید
کافور دمید از بناگوش برون یعنی که کفن ساز که کافور رسید
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۳۹؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۶۲، رباعی شماره ۲۱۹۶).

- چهار رباعی پایانی «فصل پانزدهم در وصف شراب» از عطار است و از باب چهل و چهارم *مختارنامه* «در قلندریات و خمریات» نقل شده است:

عطار فرماید رحمه الله علیه

چون صبح دمید و دامن شب شد چاک برخیز صبح کن چرای غمناک
می نوش دمی که صبح بسیار دمد او روی به ما کرده و ما روی به خاک
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۷۵؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۹۸، رباعی شماره ۱۷۱۴).
ایضاً له

مہتاب فتاد در گلستان امشب گل روی نمود از گلفشان امشب
درده می گل‌رنگ که می‌نتوان خفت از مشغله^۱ هزاردستان امشب
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۷۵؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۹۹، رباعی شماره ۱۷۱۹).
ایضاً له

خون شد جگرم بیار جام ای ساقی کاین کار جهان دم است و دام ای ساقی
می ده که گذشت [ت] عمر و بگذاشته گیر روزی دوسه نیز والسّلام ای ساقی
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۷۵؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۹۴، رباعی شماره ۱۶۷۷).
رباعی بالا در مجموعه شماره ۲۰۵۱ ایاصوفیا نیز، بدون ذکر نام سراینده آمده است (سراج تبریزی، ۷۳۰ق، گ. ۲۶۰).

۱. اصل: مشغله.

ایضاً له

تا کی گویی ز چار و هفت ای ساقی تا چند ز خار و گل تفت ای ساقی
هین قول بگو که فوت شد ای مطرب هان باده بده که عمر رفت ای ساقی
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۷۵؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۹۵، رباعی شماره ۱۶۸۶).
همچنین دو رباعی زیر در «فصل نهم در رباعیات نقیضه» آمده که به زعم جاجرمی، رباعی دوم را عطار در پاسخ
رباعی نخست سروده است. این دو رباعی در باب چهل و چهارم مختارنامه با همین ترتیب، در پی هم آمده است:
لاادری قایله

هم سبزه سرسبز برست ای ساقی هم گل به گلاب روی شست ای ساقی
چون یاسمن لطیف را شاخ شکست کی توبه ما بود درست ای ساقی
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۵۷؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۹۵، رباعی شماره ۱۶۸۲).
عطار فرماید:

چون گل بشکفت در بهار ای ساقی تا کی نهدم زمانه خار ای ساقی
در پیش صراحی و در کف جامی با سبزه خطی به سبزه زار ای ساقی
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۵۸؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۹۵، رباعی شماره ۱۶۸۳).
- چهار رباعی پایانی «فصل هفدهم در وصف گل» نیز از عطار است و از باب چهل و پنجم مختارنامه «در
معانی که تعلق به گل دارد» نقل شده است:

ملک‌المحققین عطار فرماید
از دست گلاب‌گر گل عشوه‌پرست در پای آمد چنان‌که در خاک نشست
گل خون می‌شد ز درد و بلبل می‌گفت آخر به چنین خون که بیالاید دست
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۰؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۰۱، رباعی شماره ۱۷۳۹).

ایضاً له

گل گفت که تا روی گشادند مرا هم بر سر پای سر بدادند مرا
هرچند لطیف عالم می‌خوانند بنگر تو که چه خار نهادند مرا
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۰؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۰۳، رباعی شماره ۱۷۵۱).

ایضاً له

گل گفت مرا خون جگر خواهد ریخت بر خاک رهم کنار زر خواهد ریخت
ای ابر بیا و آب زن بر رویم کآب رخ من گلاب‌گر خواهد ریخت
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۰؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۰۳، رباعی شماره ۱۷۵۶).

ایضاً له

آن نقد نگر که در میان دارد گل یعنی که کنار زرفشان دارد گل
گل می‌خندد که زعفران خورد بسی شک نیست در آن که زعفران دارد گل
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۰-۱۱۸۱؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۰۷، رباعی شماره ۱۷۹۱).

- «فصل هجدهم در وصف شمع» با پنج رباعی از عطار آغاز می‌شود. این رباعیات از باب‌های چهل و هفتم و
چهل و هشتم مختارنامه نقل شده که درباره شمع است:

ملک‌المحققین فریدالدین عطار فرماید تغمده الله^۱

برحمته

شمع که چنین زار و نزار آمده‌ام در سوختن و گریه زار آمده‌ام
از اشک بمیرد^۲ آتش و من همه شب چون شمع ز آتش اشک‌بار آمده‌ام
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۱؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۱۶، رباعی شماره ۱۸۵۲).

ایضاً له

شمع که حریف از آتش می‌آید وز اشک همه پیش‌کش می‌آید
در سوز مصیبت فراق تو چو شمع بر خویش گریستن خوشم می‌آید
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۱؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۱۸، رباعی شماره ۱۸۶۷).

ایضاً له

گفتم شمعاً چند گدازی مگداز گفتا تو خبر نداری از پرده راز
چون نگدازد کسی که او را همه شب بر سر دو موکل بود از آتش و گاز
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۱؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۲۰، رباعی شماره ۱۸۸۶).

ایضاً له

شمع آمد و گفت تا تنم زنده بود جان بر سر من آتش سوزنده بود
شاید که مرا دیده‌گرینده بود تا از چه به سر بریدم خنده بود
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۱؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۲۵، رباعی شماره ۱۹۳۲).

ایضاً له

شمع آمد و گفت می‌فروزم همه شب کز سوختن است همچو روزم همه شب
هرچند زبان چرب دارم همه روز از چرب‌زبانی‌ست که سوزم همه شب
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۱؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۳۱، رباعی شماره ۱۹۸۳).

- «فصل نوزدهم در وصف چشم و لب و دهان و میان معشوق» است. در قسمتی از این فصل که لب و دهان معشوق وصف شده، چهار رباعی از عطار آمده که به باب سی‌وهشتم *مختارنامه* «در صفت لب و دهان معشوق» متعلق است:

عطار فرماید فی المعنی

از وعده کز دل به غمت می‌افتد وز کز گویی راست کمت می‌افتد
جانا سخن شکسته زآن می‌گویی کز تنگی جای بر همت می‌افتد
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۶؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۲، رباعی شماره ۱۵۱۱).

و له فی المعنی

لعل تو برات کامرانی دهم منشور به عمر جاودانی دهم
بر روی تو صد بار بمیرم هر روز تا لعل تو آب زندگانی دهم

^۱. اصل: تغمده الله.

^۲. اصل: بمیرد.

(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۶؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۵۰، رباعی شماره ۲۱۱۰).^۱

و له فی المعنی

گفتم شکری از دهنّت در گذری ناگه بیرم که تا بیابم دگری
گفتا دهنی چو چشم سوزن دارم بیرون نشود ز چشم سوزن شکری
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۷؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۳، رباعی شماره ۱۵۲۴).

و له فی المعنی

دل مست بتی عهدشکن دارم من با او به یکی بوسه سخن دارم من
گفتم شکری، گفت که تعجیل مکن بشنو سخنی که در دهن دارم من
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۷؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۳، رباعی شماره ۱۵۲۵).

- پیوسته به رباعیات فوق، رباعیات عطار با چهار رباعی در وصف میان معشوق ادامه می‌یابد. این چهار رباعی از باب سی‌ونهم مختارنامه «در صفت میان و قد معشوق» نقل شده است. توضیح اینکه جاجرمی در عنوان رباعیات سوم و چهارم عطار در این بخش، «و له» را از قلم انداخته است. با احتساب این دو رباعی، رباعیاتی که در مونس/الاحرار به نام عطار آمده است، به عدد ۴۲ می‌رسد:

و له ایضاً در وصف میان معشوق

گفتم که تو را عقل مه تابان گفت گفتا که ز دیوانگی و نقصان گفت
گفتم که میان توست این یا^۲ مویی گفتا که در این میان سخن نتوان گفت
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۷؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۵، رباعی شماره ۱۵۳۳).

رباعی بالا در مجموعه شماره ۲۰۵۱ ایاصوفیا نیز بدون ذکر نام سراینده آمده است (سراج تبریزی، ۱۳۳۰، ق. گ. ۲۷۱).

و له فی المعنی

ای عقل ز شوق تو فغان در بسته در وصف تو دل از دل و جان در بسته
و ای پیش میان تو که گویی عدم است هر جا که وجودی ست میان در بسته
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۷؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۵، رباعی شماره ۱۵۳۵).

فی المعنی

جانا چو برت حریر می‌بینم من دل در غم او اسیر می‌بینم من
ای موی میان میان چون موی تو را مویی ست که در خمیر می‌بینم من
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۷؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۵، رباعی شماره ۱۵۳۶).

فی المعنی

جایی که چنان خط سیه‌رنگ آید شک نیست که پای حسن در سنگ آید
و آن را که میان بود بدان باریکی نادر نبود اگر قبا تنگ آید
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۸۷؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۶، رباعی شماره ۱۵۳۹).

^۱. این رباعی در متن چاپی مختارنامه، در قسمت «افزوده‌ها» از نسخه سَل (نسخه شماره ۴۴۳ کتابخانه سلطنتی) نقل شده است.

^۲. اصل: تا.

- «فصل بیست و پنجم در وصف خط» با دو رباعی از عطار شروع می‌شود که هر دو به باب سی و هفتم *مختارنامه* «در صفت خط و خال معشوق» متعلق است:

ملک‌المحققین فریدالدین عطار فرماید تغمده الله
برحمته^۱

گفتی که خط از لبم جدا خواهد شد وین وعده که می‌دهم وفا خواهد شد
طوطی خطت به شکر و آب حیات منقار فرو برد، کجا خواهد شد
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۹۶؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۶۹، رباعی شماره ۱۴۹۳).

ایضاً له

تا خط تو پشت بر قمر آورده‌ست علقم ز دلم روی به در آورده‌ست
طوطی خط زمردینت بر لعل خطی‌ست که بر تنگ شکر آورده‌ست
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۱۹۶؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۶۹، رباعی شماره ۱۴۹۶).

- «فصل بیست و نهم در وصف روی معشوق» شامل سه رباعی است که هر سه از عطار و به باب سی و پنجم *مختارنامه* «در صفت روی و زلف معشوق» متعلق است:

ملک‌المحققین فریدالدین عطار فرماید رحمه الله علیه

در جنب^۲ رخت چو ماه رو^۳ بنماید می‌گردد و می‌کاهد و می‌افزاید
از غیرت روی همچو خورشید تو ماه دیری‌ست که ماهتاب می‌پیماید
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۲۰۳؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۵۸، رباعی شماره ۱۴۱۳).

ایضاً له

ای حسن تو در حد کمال افتاده شرح دهننت کار محال افتاده
خورشید که در زیر نگین دارد ملک از شرم رخ تو در زوال افتاده
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۲۰۳؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۵۸، رباعی شماره ۱۴۱۵).

ایضاً له

ای نرگس صفرازده سودایی تو تر گشته گل تازه ز رعنائی تو
در هیچ نگارخانه چین هرگز صورت نتوان کرد به زیبای تو
(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۲۰۳؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۵۸، رباعی شماره ۱۴۱۷).

- در پایان «فصل سی و پنجم در رباعیات مراثنی» چهار رباعی از عطار آمده که این رباعی‌ها از باب

بیست و پنجم *مختارنامه* «در مراثنی رفتگان» نقل شده است:

فریدالدین عطار فرماید

آن ماه که از کنار شد بیرونم در ماتم او کنار شد پرخونم
دوشش دیدم به خواب در خفته به خاک گفتم چونی؟ گفت بین تا چونم

۱. اصل: تغمده الله رحمته.

۲. اصل: حیب.

۳. اصل: روی.

(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۲۱۵؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۸، رباعی شماره ۹۴۲).

ایضاً له

با خاک تو چون بنفشه‌ام سر در بر بی برگ گلت چو حلقه ماندم بر در
گر از سر خاک تو بگردانم روی باد از سر خاک تو خاکم بر سر

(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۲۱۶؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۹، رباعی شماره ۹۵۴).

ایضاً له

چون گریه من ابر بهاری نبود چون ناله من ناله و زاری نبود
چون من ز غم مرگ تو ای یار عزیز در شهر به صدهزار خواری نبود

(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۲۱۶؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۲۰۰، رباعی شماره ۹۵۹).

ایضاً له

دردا که گلم میان گلزار بریخت وز باد اجل به زاری زار بریخت
این درد دلم با که بگویم که بهار بشکفت گل و گل من از بار بریخت

(جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۲۱۶؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۸، رباعی شماره ۹۶۶).

رباعی بالا در جُنگ همایی (۶۵۱ق، گ. ۲۸ب) نیز بدون ذکر نام سراینده آمده است.

این چهار رباعی، رباعیات پایانی باب بیست‌وهشتم *مونس‌الاحرار* است. درواقع آغاز و پایان این باب با رباعیات عطار است.

۲-۳. مجموعه شماره ۲۰۵۱ ایاصوفیا و نزهةالمجالس

۱-۲-۳. معرفی مجموعه شماره ۲۰۵۱ ایاصوفیا

دست‌نویس شماره ۲۰۵۱ کتابخانه ایاصوفیا مجموعه‌ای از رسالات و اشعار گوناگون است که به صورت بیاضی صحافی شده و به ترتیب شامل بخش‌های زیر است:

مخزن‌الاسرار نظامی، مثنوی مصباح الارواح که در این مجموعه به اوحدالدین کرمانی نسبت داده شده و سیرالعباد سنایی. بعد از این، به ترتیب گزیده‌ای از اشعار این شاعران آمده است: سنایی، انوری، فریدالدین عطار، فخرالدین عراقی (پیش از اشعار عراقی، لمعات او نیز آمده است)، جلال‌الدین عتیقی، نظامی، شرف‌الدین شفروه، اثیرالدین اخسیکتی، جمال‌الدین عبدالرزاق، کمال‌الدین اسمعیل، افضل‌الدین خاقانی، ظهیرالدین فاریابی، مصلح‌الدین سعدی، همام‌الدین تبریزی و ناصرالدین بجه. بعد از این، بخش اصلی در دست بررسی ما، یعنی رباعیات آمده و پس از آن، اشعاری به زبان محلی کتابت شده است.

میکروفیلمی از این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۰۸ نگهداری می‌شود و محمدتقی دانش‌پژوه در فهرست میکروفیلم‌های این کتابخانه، محتویات آن را برشمرده است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸، ص. ۴۰۹). در آغاز دست‌نویس این مجموعه نیز فهرستی از مندرجات آن به دست داده شده است. آنچه در این فهرست به صورت مجزا از عنوان «کتاب رباعیات» و با عنوان «کتاب شکایت روزگار» آمده، در واقع فصلی از کتاب رباعیات

است و جدا از آن نیست. در فهرست ابتدای نسخه بعد از «کتاب شکایت روزگار»، دو عنوان «کتاب ناصر بخاری» و «کتاب الزواید» نیز هست که در اوراق موجود نسخه چیزی با این عناوین وجود ندارد. البته به آن اشعار محلی در فهرست ابتدای نسخه اشاره‌ای نشده است. شاید آن اشعار مربوط به یکی از این دو عنوان باشد.

در سه موضع تاریخ کتابت نسخه ۷۳۰ ق نوشته شده است: در پایان مثنوی منسوب به اوحدالدین کرمانی (گ ۷۴ر)، در پایان سیرالعباد سنایی (گ ۸۶ر) و در پایان لمعات عراقی (گ ۱۴۶ر). در آخرین نشانی یاد شده، نام کاتب مجموعه نیز چنین ثبت شده است: «محمود بن احمد ابن محمود التبریزی السراج». این کاتب چندان دقیق و باسواد نبوده است و خطای کتابتی در کار او زیاد به چشم می‌خورد. چنان‌که در ادامه خواهد آمد، در فصول بخش رباعیات نیز آشفتگی‌های زیادی هست که احتمالاً ناشی از سهل‌انگاری و بی‌دقتی کاتب است.

از برگ ۲۵۳پ تا ۳۰۳ر، به رباعی‌نامه‌ای نسبتاً مفصل با ۷۶۸ رباعی^۱ اختصاص یافته است. رباعیات این رباعی‌نامه به صورت موضوعی دسته‌بندی شده است و هیچ کدام از آنها نام سراینده ندارد. همچون دیگر رباعی‌نامه‌هایی که دسته‌بندی موضوعی دارند، مانند *نزهة المجالس*، خلاصه‌الاشعار سفینه تبریز، سفینه کهن رباعیات، باب بیست و هشتم *مونس‌الاحرار* و ... رباعیات منبع در دست بررسی نیز با فصلی در توحید آغاز می‌شود.

در نسخه موجود، ابواب و فصول آغازین این رباعی‌نامه نسبتاً منظم و مرتب است. گرچه در این قسمت‌ها نیز آشفتگی‌هایی به چشم می‌خورد. برای نمونه در آغاز، باب اول مشتمل بر سه فصل معرفی شده، اما آنچه در ادامه می‌آید پنج فصل، به ترتیب در توحید، نعت سیدالمرسلین، نصیحت، سلوک و مناجات است. باب دوم دو فصل دارد که فصل اول آن در مدح پادشاه است. عنوان فصل دوم چندان خوانا نیست، اما با توجه به مضمون رباعیات احتمالاً در دعا است، چنان‌که در *نزهة المجالس* نیز چنین است. سرفصل باب سوم و فصول آن را کاتب از قلم انداخته یا احتمالاً در افتادگی اوراق نسخه از دست رفته است، اما با توجه به مضمون رباعیات می‌توان گفت که این باب دو فصل در شمع و شاهد دارد، درست مانند *نزهة المجالس*. باب چهارم دو فصل دارد؛ یکی در شراب و دیگری در ساقی. باب پنجم نیز دو فصل دارد؛ اول در رقص و دوم در چنگ. باب ششم نیز دو فصل دارد؛ یکی در گل و دیگری در خزان. باب هفتم در نامه، باب هشتم در عشق، باب نهم در دل و باب دهم در پیری است. باب یازدهم در آغاز دارای سه فصل معرفی شده است. فصل‌های اول و دوم آن به ترتیب در رخ و در زلف و طره است اما فصل سوم در کار نیست و بعد از آن فصل چهارم در ابرو می‌آید. فصل پنجم در چشم، فصل ششم در حلقه گوش، فصل هفتم در خط، فصل هشتم در روی، فصل نهم در قد، فصل دهم در خال، فصل یازدهم در لب، فصل [دوازدهم] در بوسه، فصل [سیزدهم] در چاه زنخندان، فصل [چهاردهم] در تنگی دهان، فصل [پانزدهم] در دندان، فصل [شانزدهم] در میان و کمر، فصل [هفدهم] در پیراهن، فصل هجدهم در خیال معشوق و فصل نوزدهم در سوال و در جواب، دیگر فصل‌هایی هستند که پشت هم آمده‌اند. از اینجا به بعد شماره فصول حذف و تنها موضوع آنها بیان می‌شود.

تقریباً از اینجای نسخه آشفتگی‌های فصول و ابواب به شکل اصلاح‌ناپذیری افزایش می‌یابد. در مواردی، عنوان و موضوع فصول تکرار می‌شود. گاهی رباعیاتی با موضوعاتی متفاوت ذیل عنوانی قرار می‌گیرد که ربطی

۱. با احتساب ۶ رباعی تکراری، تعداد رباعیات غیرتکراری این منبع به ۷۶۲ می‌رسد.

به آن ندارد. در مواردی نیز تنها با ذکر «فصل» و بدون اشاره به موضوع آن، رباعیات از هم تفکیک شده است. عنوان اشتباه، در هم آمیختن فصول و ... از دیگر آشفتگی‌هایی است که در ترتیب و دسته‌بندی این بخش از رباعی‌نامه رخ داده است.

در برگ ۲۷۹ر، یکباره باب سیزدهم که مشتمل بر سی صنف معرفی شده است، ظاهر می‌شود. اصنافی که بعد از این عنوان در نسخه آمده تا سه صنف شماره و موضوع دارد که البته چندان هم دقیق و درست نیست. بعد از آن فقط با عنوان «صنف» رباعیات از هم تفکیک شده است. نکته درخور توجه در این بخش از رباعی‌نامه، شهرآشوب‌هایی است که در ذیل این صنوف آمده است. برخی از این شهرآشوب‌ها منحصرأ در این منبع آمده و این از فواید این رباعی‌نامه است. در برگ ۲۸۷پ مجدداً باب سیزدهم، این بار مشتمل بر سه فصل شروع می‌شود. بعد از این عنوان، رباعیات اکثراً بدون اینکه موضوعات چندان تفکیک‌پذیری داشته باشند، در دوازده «فصل» تفکیک شده‌اند. در برگ ۲۹۲پ، ابواب عقب‌گرد می‌کنند و «باب یازدهم مشتمل بر فصول» آغاز می‌شود. در برگ ۲۹۶ر، با جهشی ناگهانی به باب شصتم می‌رسیم. باب بعدی، باب شصت و دوم است که در برگ ۲۹۷ر آغاز می‌شود و موضوع رباعیات ذیل آن ابتدا هجو و هزل است و بعد به معماً تغییر می‌کند. در برگ ۲۹۸پ، باب شصت و چهارم شروع می‌شود. در برگ ۳۰۱ر، «باب در ختم کتاب» آمده است. موضوع رباعیات این باب «کوه و کمر!» است و پس از آن در برگ ۳۰۱پ هزلیات آمده است. گرچه این موضوعات چندان مناسب ختم کتاب به نظر نمی‌آید، قرارداد هزلیات در پایان یا ابواب پایانی رباعی‌نامه‌ها گویا مرسوم بوده است. فصل سی و چهارم از سی و پنج فصل باب بیست و هشتم *مونس‌الاحرار* در هزلیات است. سفینه کهن رباعیات نیز با هزلیات به پایان می‌رسد. در برگ ۳۰۲پ، عنوان «در شکایت روزگار» آمده و ذیل آن رباعیاتی نقل شده که با این عنوان چندان مناسبتی ندارند. چنان‌که گفته شد، این عنوان در فهرست آغازین نسخه به صورت مجزا از عنوان «کتاب رباعیات» و پس از آن قرار گرفته است. در پایان این بخش، یک رباعی مستزاد و سه جفت رباعی پیوسته آمده است. پیوستگی این رباعیات بدین گونه است که مصرع آخر رباعی اول، مصرع اول رباعی بعدی است. در دو نمونه از این سه رباعی پیوسته، چهار مصرع پایانی در منابع دیگر شناسایی شده است. گویا شاعری با افزودن سه مصرع به آغاز این رباعیات، آنها را تضمین کرده است.

۳-۲-۲. اشتراکات و ارتباط رباعی‌نامه مجموعه ایاصوفیا با نزهةالمجالس و دیگر منابع

محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب موسیقی شعر احتمال داده است که رباعی‌نامه مجموعه ایاصوفیا «روایت دیگری از نزهةالمجالس» باشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱، ص. ۵۵۷). سیدعلی میرافضلی در کتاب رباعیات خیام در منابع کهن با نقل دیدگاه شفیعی، این دو منبع را مقایسه اجمالی کرده و به نتایجی کمابیش یکسان با بررسی پیش رو رسیده است (میرافضلی، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۷). چنان‌که در ادامه خواهد آمد، احتمالاً نزهةالمجالس تنها یکی از منابع گردآورنده مجموعه ایاصوفیا بوده و میان این دو منبع انطباق کاملی وجود ندارد.

شکل فصل‌بندی و موضوعات فصول این رباعی‌نامه تا جایی که نظم نسبی دارد و بررسی‌پذیر است، با اختلافاتی جزئی با شکل فصل‌بندی رباعیات در نزهةالمجالس مطابق است. اما تعداد رباعیات مشترک این دو رباعی‌نامه در برخی فصول در حدی نیست که بتوان میان آنها ارتباط کاملی برقرار کرد. ضمن اینکه این نوع

فصل‌بندی را با قدری تفاوت در سبب کهن رباعیات نیز می‌توان سراغ گرفت. گویا این شکل فصل‌بندی در میان رباعی‌نامه‌هایی که دسته‌بندی موضوعی داشته‌اند، به نوعی سنت ادبی بوده است. در مجموع، رباعی‌نامه در دست بررسی، ۱۶۴ رباعی مشترک با *نزهة المجالس* دارد که حدود ۲۲ درصد کل رباعیات آن را شامل می‌شود و درخور توجه است. با توجه به شباهت در فصل‌بندی و تعداد رباعیات مشترک با *نزهة المجالس*، این رباعی‌نامه نیز احتمالاً در شمال غرب ایران گردآوری و تدوین شده است. چنان‌که کاتب آن نیز نسبت تبریزی دارد.

از بررسی فصول نسبتاً منظم آغازین این رباعی‌نامه چنین می‌توان نتیجه گرفت که گردآورنده در هر بخش، منبعی را پیش چشم داشته و رباعیات را پی‌درپی از آن نقل کرده است؛ برای مثال: رباعیات فصل دوم از باب اول که در نعت سیدالمرسلین است (گ ۲۵۴ پ و ۲۵۵ ر)، جز دو تا، همه در *دیوان باباافضل* نیز آمده است.^۱ یا پنج رباعی نخست از هشت رباعی فصل چهارم باب اول که در سلوک است (گ ۲۵۶ پ)، از *مرصادالعباد* نقل شده است.^۲ در برخی از فصول نیز احتمالاً منبع گردآورنده، *نزهة المجالس* بوده است؛ برای مثال: رباعیات زیر که در یک فصل جای گرفته (گ ۲۸۹ ر و پ)، همه نقل از *نزهة المجالس* است و جز رباعی نخست آن، باقی نقل از نمط نهم از باب دوازدهم این منبع، در قناعت به دیدار و نظر است:

روزی که ز تو سلام باشد ما را	آن روز فلک غلام باشد ما را
از تو نکنم توقّع پرسیدن	اندیشه تو تمام باشد ما را

(شروانی، ۱۳۷۵، ص. ۵۹۲، بدون ذکر نام سراینده).

رباعی فوق در منابع پیش رو نیز آمده است: (جنگ نظم و نثر، بی‌تا، ص. ۳۰۳، بدون ذکر نام سراینده؛ المتطبّب، ۷۶۳ ق، گ. ۶۹ پ، بدون ذکر نام سراینده؛ سمعانی، ۱۳۶۸، ص. ۲۱؛ میرافضلی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵، رباعیات سنایی غزنوی).

با بنده خود وفا نداری شاید	میلی به من گدا نداری شاید
راضی شده‌ام به یک نظر از رخ تو	آن نیز به من روا نداری شاید

(شروانی، ۱۳۷۵، ص. ۵۴۲، به نام «جمال خلیل»).

ای برده قرار دل شوریده من	غم داده بدین دل ستم‌دیده من
از دور به دیدار تو بودم خرسند	آن نیز حرام کرد[ه] بر دیده من

(شروانی، ۱۳۷۵، ص. ۵۴۲، بدون ذکر نام سراینده؛ [در *نزهة المجالس* رباعی بعدی به نام «سید اشرف» است

^۱ مصرع نخست این رباعیات و وضعیتشان در *دیوان باباافضل* چنین است: دل مغز حقیقت است و تن پوست بین (باباافضل، ۱۳۶۳، ص. ۱۵۹)؛ ای ذات تو در [دو] کون مقصود وجود (باباافضل، ۱۳۶۳، ص. ۶۸)؛ تا حی و دو میم و دال نامش کردند (باباافضل، ۱۳۶۳، ص. ۷۲، با ضمیر دوم شخص مفرد در کلمه قافیه)؛ ای قبه طاق عرش سوده قدمت (باباافضل، ۱۳۶۳، ص. ۲۰)؛ ای پای شرف بر سر افلاک زده (باباافضل، ۱۳۶۳، ص. ۱۷۵)؛ ای ذات [تو] محمود و محمد نامت (باباافضل، ۱۳۶۳، ص. ۱۹)؛ ای تاج لعمرك ز شرف بر سر تو (باباافضل، ۱۳۶۳، ص. ۱۶۹)؛ ای آمده از دو کون ذات افزون (باباافضل، ۱۳۶۳، ص. ۱۵۴).

^۲ مصرع نخست این رباعیات و وضعیتشان در *مرصادالعباد* چنین است: با عشق جمال ما اگر هم نفسی (نجم رازی، ۱۳۷۹، ص. ۳۳۱، به نام «نجم دایه»؛ زان باده نخورده‌ام که هشیار شوم (نجم رازی، ۱۳۷۹، ص. ۳۲۴، به نام «نجم دایه»؛ ای دل بی‌دل به نزد آن دل‌بر رو (نجم رازی، ۱۳۷۹، ص. ۱۷۲)؛ جان باز که وصل او به دستان ندهند (نجم رازی، ۱۳۷۹، ص. ۲۲۲)؛ ای عاشق اگر به کوی ما گام زنی (نجم رازی، ۱۳۷۹، ص. ۲۱۸، به نام «نجم دایه»).

و احتمال جابه‌جایی عناوین وجود دارد].

رباعی بالا در این منابع نیز آمده است: (مسعود تبریزی، ۱۳۸۱، ص. ۶۰۱، به نام «سید اشرف»؛ غزنوی، ۱۳۹۷، ص. ۳۷۱).

در دل غم تو نشسته، تو بی‌غم از این
از دور به دیدار تو قانع شده‌ایم
بپسندی اگر کنند با تو هم از این^۱
زین بیش طمع ندارم، آخر کم از این
(شروانی، ۱۳۷۵، ص. ۵۴۲، بدون ذکر نام سراینده).

من عشق تو از دل نگذارم هرگز
در مدت عشقت ز تو چندین نظری
جز با تو نباشد سر و کارم هرگز
والله که نداشتم، ندارم هرگز
(شروانی، ۱۳۷۵، ص. ۵۴۲، بدون ذکر نام سراینده).

با این حال، مثلاً در پنج فصل باب نخست این رباعی‌نامه هیچ رباعی مشترکی با *نزهة المجالس* وجود ندارد؛ گرچه فصل‌بندی این باب با اختلافاتی مانند *نزهة* است.

۳-۳. مجموعه لالاسماعیل و سفینه کهن رباعیات

مجموعه لالاسماعیل را که شامل اشعار فارسی و عربی و منشآت و رسالات فارسی است، محمد بن حیدر حسینی، عبدالکریم بن اصیل جابریدی، عبدالمجیب بن محمد اصفهانی و چند کاتب دیگر در فاصله سال‌های ۷۴۱ و ۷۴۲ق در کشور مصر و شهر قاهره کتابت کرده‌اند. دست‌نویس این مجموعه به شماره ۴۸۷ در کتابخانه سلیمانیة استانبول (مجموعه لالاسماعیل) نگهداری می‌شود. از این دست‌نویس، میکروفیلمی به شماره ۵۷۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و محمدتقی دانش‌پژوه در فهرست میکروفیلم‌های این کتابخانه، آن را معرفی کرده و مندرجاتش را برشمرده است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸، ص. ۴۹۹-۵۰۴). مجموعه لالاسماعیل را حیدر حسن‌لو با نام «سفینه‌ای کهن از نظم و نثر» به عنوان رساله دکتری تصحیح و در سال ۱۳۸۱ از آن دفاع کرده است.

عبدالکریم بن اصیل جابریدی که یکی از کاتبان این مجموعه است، در برگ‌های ۷۸ تا ۸۱الف، ۳۴ رباعی از فخرالدین مبارکشاه کتابت کرده است.^۲

فخرالدین مبارکشاه بن حسین مروودی (م ۶۰۲ق) از صاحب‌منصبان در دربار غوریان بوده است. به گفته عوفی در *لباب‌الالباب*، مبارکشاه رباعی‌سرایی توانا بوده و «رباعیات او در اطراف جهان مشهور» بوده است (عوفی، ۱۳۳۵، ص. ۱۱۷). از این شاعر یک مثنوی عرفانی به نام *رحیق‌التحقیق* نیز باقی مانده که متن آن را به انضمام دیگر اشعار پراکنده مبارکشاه در *جنگ‌ها و تذکره‌ها*، نصرالله پورجوادی تصحیح و منتشر کرده است. مجموعه لالاسماعیل یکی از منابع آقای پورجوادی در گردآوری رباعیات مبارکشاه بوده است.

از ۳۴ رباعی مبارکشاه در این موضع از مجموعه لالاسماعیل، ۱۴ رباعی در *سفینه کهن رباعیات* نیز به نام مبارکشاه آمده است.

^۱. اصل: اگر با تو کنند بتر ازین.

^۲. با احتساب دو رباعی دیگر که به نام «مبارکشاه غوری» در برگ‌های ۱۹۶ب و ۲۰۱الف آمده است، مجموع رباعیات او در مجموعه لالاسماعیل به ۳۶ می‌رسد.

سفینه کهن رباعیات نامی است که مصححان رباعی‌نامه پایانی نسخه شماره ۱۲۵۹۸ کتابخانه مرعشی، به آن داده‌اند. این رباعی‌نامه شامل ۱۲۵۸ رباعی است و احتمالاً در نیمه نخست سده هشتم هجری یا پیش از آن در شمال غرب ایران تدوین شده است. در این منبع ۲۷ رباعی به نام مبارکشاه آمده است.

در میان رباعیاتی که در مجموعه لالاسماعیل و سفینه کهن رباعیات به مبارکشاه منسوب شده است، ضبط‌های مشترک درخور توجهی نیز وجود دارد؛ برای مثال: قوافی بیت دوم رباعی زیر که به نظر می‌آید دچار تحریف شده، در هر دو منبع یکسان است:

و له [فخرالدین مبارکشاه]

چون چرخ فلک در تک و تازم همه شب	بر نطع کبود مهره بازم همه شب
چون شمع ز سوز می‌گدازم همه شب	می‌گیریم ^۱ زار و می‌گدازم همه شب

(جابریدی، ۷۴۱-۷۴۲ق، گ. ۷۸؛ سفینه کهن رباعیات، ۱۳۹۵، ص. ۲۴۱).

همچنین، رباعی زیر که در *نزهة المجالس* و خلاصه‌الشعار سفینه تبریز به نام مهستی آمده، در مجموعه لالاسماعیل و سفینه کهن رباعیات به نام مبارکشاه آمده است:

تب را گفتم رنجه مکن بسیارش	از بهر خدای بگذر و بگذارش
تب گفت که بر تنش ز من بیش ملرز	آخر ز تو من گرم‌ترم در کارش

(شروانی، ۱۳۷۵، ص. ۴۴۲؛ مسعود تبریزی، ۱۳۸۱، ص. ۶۰۷؛ جابریدی، ۷۴۱-۷۴۲ق، گ. ۸۱ الف؛ سفینه کهن رباعیات، ۱۳۹۵، ص. ۲۸۷).

نزهة المجالس یکی دیگر از منابع ارزشمند در شناسایی رباعیات مبارکشاه است. جمال خلیل شروانی ۵۴ رباعی از این سراینده را در گزیده خود آورده است. اما رباعیات منسوب به مبارکشاه در *نزهة* و مجموعه لالاسماعیل اشتراک درخور توجهی با هم ندارند.^۲ وضعیت رباعیات مبارکشاه در سفینه کهن رباعیات و *نزهة* نیز همین گونه است.

علاوه بر رباعیات فخرالدین مبارکشاه، در بخش‌هایی از مجموعه لالاسماعیل که احتمالاً عبدالکریم بن اصیل جابریدی آن را کتابت کرده، رباعیات مشترک دیگری نیز با سفینه کهن رباعیات وجود دارد. چهار رباعی زیر در هر دو منبع، انتسابی یکسان دارند:

نظام بخاری

^۱. اصل: +و.

^۲. برخی از رباعیاتی که در مجموعه لالاسماعیل به مبارکشاه نسبت داده شده، در *نزهة المجالس* با انتسابی متفاوت آمده است. رباعی منسوب به مهستی در *نزهة* که پیش از این درباره‌اش بحث شد، نمونه‌ای از این رباعیات است. همچنین، رباعی زیر که در مجموعه لالاسماعیل به نام مبارکشاه آمده، در چاپ نخست *نزهة المجالس* به این شاعر نسبت داده شده، اما در چاپ دوم به نام اثیر اخسیکتی ثبت شده است:

پنداشتم آتش جگر می‌خواهد	یا رویم از آب دیده تر می‌خواهد
باز آنکه در این شیوه بسی کوشیدم	امروز کسی گفت که زر می‌خواهد

(جابریدی، ۷۴۱-۷۴۲ق، گ. ۸۰؛ شروانی، ۱۳۷۵، ص. ۵۷۵).

یک ذره بر این سوخته دلسوز نه‌ای جز در دل و جانم آتش‌افروز نه‌ای
دی گفته بدی با تو نکو خواهم کرد فردا شوی آن مگر که امروز نه‌ای
(جاربردی، ۷۴۱-۷۴۲ق، گ. ۲۰۱ الف؛ سفینه کهن رباعیات، ۱۳۹۵، ص. ۲۳۷، به نام «نظام بخاری»).

زکی مراغی
از حسن تو بهره جز رخ زردم نیست جز چشم پرآب و دل پردردم نیست
بود^۱ از تو چو خورشید دلی^۲ گرم مرا و امروز چو صبح جز دم سردم نیست
(جاربردی، ۷۴۱-۷۴۲ق، گ. ۲۰۱ الف؛ سفینه کهن رباعیات، ۱۳۹۵، ص. ۲۴۹، به نام «زکی مراغی»).

عبدالرزاق
از ناله که بر پشت شتر می‌کردم در پای شتر نثار در می‌کردم
هر چشمه که کاروان همی‌کرد تهی از آب دو دیده باز پر می‌کردم
(جاربردی، ۷۴۱-۷۴۲ق، گ. ۲۰۲ ب؛ سفینه کهن رباعیات، ۱۳۹۵، ص. ۲۶۳، به نام «عبدالرزاق»).

رباعی بالا در نزهة المجالس با عنوان «و لها [مهستی] آمده است (شروانی، ۱۳۷۵، ص. ۵۳۱).

سید حسن
ای دولت و دین را به‌سزا شاهنشاه وی عدل تو بر دوام عمر تو گواه
امشب می‌خور که مشتری با همه جاه بر چرخ به روی تو همی‌بیند ماه
(جاربردی، ۷۴۱-۷۴۲ق، گ. ۲۰۲ ب؛ سفینه کهن رباعیات، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۵، به نام «سید حسن»).

رباعی فوق در دیوان سیدحسن غزنوی نیز آمده است (۱۳۹۷، ص. ۳۷۴).

با این حال، مجموعه لالا اسماعیل و سفینه کهن رباعیات در رباعیات مشترک تفاوت‌هایی نیز دارند که مانع از اظهار نظر قطعی درباره ارتباط آنها می‌شود؛ برای مثال انتساب رباعی زیر در این دو منبع متفاوت است:

سراج قمری
ری دارم که ..ن دراند خور را دندان شکند به حمله شیر نر را
گفتند که کافور بخور تا برهی کافور چه سود دارد این کافر را
(جاربردی، ۷۴۱-۷۴۲ق، گ. ۱۳۳ الف؛ سفینه کهن رباعیات، ۱۳۹۵، ص. ۳۱۸، به نام «سوزنی»).

رباعی بالا در منابع پیش رو نیز آمده است: (جاجرمی، ۱۳۵۰، ص. ۱۲۱۳، بدون ذکر نام سراینده؛ قمری آملی، ۱۳۶۸، ص. ۵۷۹).

۴. نتیجه‌گیری

از بررسی رباعیات عطار در مونس‌الاحرار و مختارنامه می‌توان به این نتیجه رسید که احتمالاً جاجرمی در تدوین کتاب خود، مختارنامه را پیش چشم داشته و از آن به منزله منبع استفاده کرده است؛ بنابراین می‌توان در تصحیح رباعیات مشترک این دو منبع در مختارنامه، از مونس‌الاحرار نیز به منزله منبعی کهن از نیمه نخست سده هشتم

^۱ اصل: نور.

^۲ اصل: دل.

^۳ این رباعی نیز در بخشی آمده که احتمالاً کاتبش جاربردی بوده است.

هجری بهره گرفت.

با توجه به قرابت‌هایی که در شکل فصل‌بندی رباعی‌نامه مجموعه/ایاصوفیا و نزهةالمجالس وجود دارد، احتمالاً گردآورنده مجموعه ایاصوفیا در این باره از نزهة الگوبرداری کرده است. همچنین، تعداد رباعیات مشترک این دو رباعی‌نامه، مخصوصاً در برخی فصول، حاکی از این امر است که احتمالاً نزهةالمجالس یکی از منابع گردآورنده مجموعه ایاصوفیا در گزینش رباعیات بوده است. این مسئله، نشان‌دهنده شهرت نزهةالمجالس در شمال غرب ایران (محل گردآوری هردو منبع)، در سده هشتم هجری است. اما چنان‌که توضیح داده شد، نزهة تنها منبع این مجموعه نبوده و نمی‌توان رباعی‌نامه مجموعه ایاصوفیا را «روایت دیگری از نزهةالمجالس» یا رونویسی از آن برشمرد.

با توجه به آنچه درباره اشتراکات رباعیات مجموعه لالاسماعیل و سفینه کهن رباعیات گفته شد، اگر از برقراری ارتباط مستقیم بین این دو منبع صرف نظر کنیم، می‌توان با قید احتمال گفت که عبدالکریم بن اصیل جابردی و گردآورنده سفینه کهن رباعیات، برخی از رباعیات منتخب خود را از منبعی مشترک نقل کرده‌اند.

منابع

- ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی (۱۳۸۱). سفینه تبریز، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. مرکز نشر دانشگاهی.
- اوحدالدین کرمانی (۱۳۶۶). دیوان رباعیات (به کوشش احمد ابومحبوب). سروش.
- باباافضل (۱۳۶۳). دیوان حکیم افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی (تصحیح مصطفی فیضی، حسن عاطفی، عباس بهنیا، علی شریف). زوآر.
- جاجرمی، محمد بن بدر (۱۳۳۷). مونس‌الاحرار فی دقائق‌الشعار (به اهتمام میرصالح طیبی) (ج. ۱). اتحاد.
- جاجرمی، محمد بن بدر (۱۳۵۰). مونس‌الاحرار فی دقائق‌الشعار (به اهتمام میرصالح طیبی) (ج. ۲). انجمن آثار ملی.
- جابردی، عبدالکریم بن اصیل و دیگران (۷۴۲-۷۴۱ق). مجموعه اشعار و مراسلات، نسخه خطی، کتابخانه سلیمانیه ترکیه (مجموعه لالاسماعیل)، ش 487R.
- جنگ نظم و نشر (بی‌تا). نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۲۴۴۹.
- جنگ همایی (۶۵۱ق). نسخه خطی، کتابخانه ملی، ش ۱۱۹۴۴۷۸.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸). فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج. ۱). انتشارات دانشگاه تهران.
- رشیدی، یاراحمد (۱۳۶۷). رباعیات خیام؛ طریخانه (تصحیح جلال‌الدین همایی). هما.
- سراج تبریزی، محمود بن احمد (۷۳۰ق). مجموعه اشعار، نسخه خطی، کتابخانه ایاصوفیا، ش ۲۰۵۱.
- سراج‌الدین قمری آملی (۱۳۶۸). دیوان (به اهتمام یدالله شکری). معین.
- سفینه اشعار (بی‌تا). نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۹۰۰.
- سفینه کهن رباعیات (۱۳۹۵). تصحیح ارحام مرادی، محمد افشین‌وفایی. سخن.

- سمعانی، شهاب‌الدین احمد (۱۳۶۸). *روح‌الارواح فی شرح اسماء الملک الفتاح* (تصحیح نجیب مایل هروی). انتشارات علمی و فرهنگی.
- شروانی، جمال خلیل (۱۳۷۵). *نزهة‌المجالس* (تصحیح محمدامین ریاحی). انتشارات علمی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). *موسیقی شعر*. آگاه.
- شمس حاجی (۱۳۹۰). *سفینه شمس حاجی* (تصحیح میلاد عظیمی). سخن.
- صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۱). *جنگ زیلوفاف*. در *نذر عارف: جشن‌نامه دکتر عارف نوشاهی* (به خواستاری سعید شفیعون، بهروز ایمانی). کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۳۴۷-۴۰۴.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۶). *مختارنامه* (تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی). سخن.
- عوفی، محمد (۱۳۳۵). *لباب‌الالباب* (به کوشش سعید نفیسی). کتابفروشی ابن‌سینا.
- غزنوی، سیدحسن (۱۳۹۷). *دیوان* (تصحیح عباس بگ‌جانی). کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- قزوینی، محمد (۱۳۳۲). *بیست مقاله قزوینی*. کتابفروشی ابن‌سینا.
- المططب، مسعود بن منصور بن احمد (۷۶۳ق). *جنگ نظم و نثر*، نسخه خطی، کتابخانه سلیمانیه (مجموعه چلبی عبدالله افندی)، ش ۲۸۰.
- محمد بن یغمور (۱۳۹۶). *سفینه ترمذ* (به کوشش امید سروری با همکاری سید باقر ابطحی). انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.
- میرافضلی، سیدعلی (۱۳۸۲). *رباعیات خیام در منابع کهن*. مرکز نشر دانشگاهی.
- میرافضلی، سیدعلی (۱۳۹۴). *جنگ رباعی: بازیابی و تصحیح رباعیات کهن پارسی*. سخن.
- نجم رازی (۱۳۷۹). *مرصادالعباد* (به اهتمام محمدامین ریاحی). انتشارات علمی و فرهنگی.

References

- Abu al-Majd Mohammad ibn Mas'ud Tabrizi (2002). *The Safina of Tabriz, facsimile edition from the manuscript preserved in the Library of the Islamic Consultative Assembly*. Markaz-e Nashr-e Daneshgahi. [In Persian].
- al-Mutatabbib, M. M. A. (1361). *Jung of poetry and Prose*, manuscript, Sulaymaniyah Library (Chalabi Abdullah Efendi Collection), No. 280. [In Persian].
- Attar Neyshaburi, F. (2007). *Mukhtarname* (M. R. Shafiee Kadkani, Ed.). Sokhan. [In Persian].
- Awfi, Mohammad (1956). *Lubab al-Albab* (S. Nafisi, Ed.). Ebn-e Sina bookstore. [In Persian].
- Awhad al-Din Kermani (1987). *Diwan of Ruba'iyat* (A. Abu-Mahbub, Ed.). Soroush. [In Persian].
- Baba Afzal (1984). *Divan Hakim Afzal al-Din Muhammad Maraqqi Kashani* (M. Fayzi, H. Atifi, A. Bahniya, & A. Sharif, Eds.). Zavvar. [In Persian].
- Danesh-Pazhuh, M. T. (1969). *Catalogue of Microfilms of the Central Library of the University of Tehran* (Vol. 1). University of Tehran Press. [In Persian].
- Ghaznavi, S. H. (2018). *Diwan* (A. Begjani, Ed.). Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly. [In Persian].
- Jajarmi, M. B. (1958). *Munis al-Ahrrar fi Daqa'iq al-Ash'ar* (M. Tabibi, Ed.; Vol. 1). Ittihad. [In Persian].
- Jajarmi, M. B. (1971). *Munis al-Ahrrar fi Daqa'iq al-Ash'ar* (M. Tabibi, Ed.; Vol. 2). Anjuman Asar Melli. [In Persian].
- Jarbardi, A. K. & et al. (1341-1340). *Collection of Poems and Correspondences*, manuscript,

- Suleymaniye Library, Turkey (Lala Ismail Collection), 487R. [In Persian].
- Jung-i Humayi* (1253). Manuscript, National Library, MS No. 1194478. [In Persian].
- Jung-i Nazm wa Nasr* (n.d.). Manuscript, Tehran University Library, MS No. 2449. [In Persian].
- Mirafzali, S. A. (2003). *The Ruba'iyat of Khayyam in Ancient Sources*. Markaz-e Nashr-e Daneshgahi. [In Persian].
- Mirafzali, S. A. (2015). *Jung of Ruba'iyat*. Sokhan. [In Persian].
- Mohammad ibn Yaghmur (2017). *Safina-yi Tirmid*. (By O. Soruri & S. Baqir Abṭaḥi). Mahmud Afshar Publications. [In Persian].
- Najm Razi (1379/2001). *Mirṣad al- 'Ibad*. (M. A. Riyahi, Ed.). 'Ilmī wa Farhangī. [In Persian].
- Old Safine of Ruba'iyat* (2016). edited by Arham Moradi and Mohammad Afshin-Vafae. Sokhan. [In Persian].
- Qazvini, M. (1953). *Bist Maqala-yi Qazvini*. Ibn Sina. [In Persian].
- Rashidi, Y. (1988). *Ruba'iyat of Khayyam; Tarabxane* (J. Homaei, Ed.). Homa. [In Persian].
- Şafari Aq-Qal'a, 'A. (2012). Jung-i Zilūfāf. In *Nazr-i 'Arif: Jashn-Nama-i Duktur Arif Nowshahi*, (ed. Sa'id Shafi'iyun & Bahruz Imani). Majlis Library, pp. 347–404. [In Persian].
- Safine of Poems* (n.d.). manuscript, Library of the Islamic Consultative Assembly, No. 900. [In Persian].
- Sam'ani, Sh. A. (1989). *Rawḥ al-Arwāḥ fi Šarḥ Asma' al-Malik al-Faṭṭaḥ* (N. Mayel Heravi, Ed.). Elmi va Farhangi Publication. [In Persian].
- Seraj al-Din Qamari Amuli (1989). *Divan*. (Y. Shokri, Ed.). Moin. [In Persian].
- Sarraj Tabrizi, M. A. (1330). *Jung of Poems*, manuscript, Ayasofya Library, No. 2051. [In Persian].
- Shafi'i Kadkani, M. R. (2012). *Mūsīqi-yi Shi'r*. Agah. [In Persian].
- Shams Haji (2011). *Safina-yi Shams Haji*. (M. Azimi, Ed.). Sokhan. [In Persian].
- Shervani, J. Kh. (1996). *Nuzhat al-Majalis* (M. A. Riahi, Ed.). Entesharat-e Elmi. [In Persian].